



ضدخلفی با رژیم شاه برخوردار بودند، همانند اسلاف جنایتکار خویش، با بیشرمی تمام به تخریب قبر مبارزین و انقلابیون پرداخته و بسیاری از سنگ قبرهای فرزندان مبارز خلق را با فتوای آخوندهای مرتجع و ضدخلفی، با کلنگ و تیشه شکسته و به این ترتیب دشمنی آشفتنی‌ناپذیر رژیم جمهوری اسلامی را با سمبل‌های آزادی و نمادهای مردمی به نمایش گذاردند. به رغم تمامی این جنایات اما، قطعه ۳۳ همواره به محلی برای تجمع مردم قدرشناس و ادای احترام از سوی آنان و نسبت به سمبل‌های آزادی و قهرمانان خویش بود و به همین اعتبار، این محل همواره مملو از دسته‌های گلی بود که به مناسبت‌های مختلف بر مزار مبارزین جانباخته قرار می‌گرفت.

( ادامه در صفحه ۲ )

## "ساماندهی" قطعه ۳۳

### یا سازماندهی یک اقدام ضدخلفی!

نشان بود) به خاک سپرده شد. پس از قیام شکوهمند توده‌ها بر علیه رژیم مزدور شاه، به همت توده‌ها و سازمان‌های انقلابی و خانواده‌های این جانبازان که به نصب سنگ قبر بر روی محل دفن عزیزانشان اقدام کرده بودند، قطعه ۳۳ که بیانگر یکی از اسناد جنایات بی‌شمار رژیم شاه در حق خلق‌های ایران بود، به یکی از میعادگاه‌های مردم مبارز و آگاه بدل گشت. اما هنوز چندی از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی نگذشته بود که مزدوران این رژیم که از ماهیتی مشابه و

برجسته‌ترین اسناد جنایات رژیم شاه در حق مردم تحت ستم ما و فرزندان مبارز و انقلابی آنهاست. در این قطعه بیش از ۶۵۰۰ قبر وجود دارد که حدود ۱۲۰ قبر آن متعلق به جمعی از محبوب‌ترین چریکهای فدائی و مجاهدین خلق و سایر مبارزینیست که در دوران رژیم پهلوی توسط دژخیمان شاه در راه کسب حقوق پایمال‌شده خلق‌های تحت ستم ما از دشمنانشان جان باختند و اجساد آنها در این محل (که در آن زمان یک محل دورافتاده در بهشت زهرا مخصوص دفن اجساد بی‌نام و

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با نادیده گرفتن مخالفت‌ها و اعتراضات بسیار، کار تخریب قطعه ۳۳ بهشت زهرا که آرامگاه جمعی از رشیدترین فرزندان انقلابی و مبارز خلق‌های ماست را آغاز کرده است. هدف مقامات جمهوری اسلامی از این اقدام که آن را زیر نام "ساماندهی" و "مرمت" قطعه ۳۳ آغاز نموده تنها و تنها زدودن یاد و خاطره ده‌ها تن از بهترین و فداکارترین مبارزانیست که در راه انقلاب رهایی‌بخش خلق‌های ما در مبارزه با رژیم ستمشاهی جان باختند. قطعه ۳۳ در بهشت زهرا در شکل کنونی یکی از

ناعادلانه و استثمارگرانه حاکم به نمایش گذاردند. در این حال به رغم سرکوب وحشیانه این شورشها در روزهای اول، نه تنها از ابعاد آنها کاسته نگشت بلکه دامنه اعتراضات بویژه با توجه به وحشیگری‌های اعمال شده توسط پلیس، به شهرهای دیگر فرانسه و فراتر از آن به کشورهای دیگر نظیر آلمان، بلژیک و پرتغال نیز کشیده شد. با گذشت حدود دو هفته از آغاز این ناآرامیها بیش از ۲۰۰۰ خودرو در شهرها به آتش کشیده شده و به ساختمانها و مراکز تجاری و بانکها و حتی در مواردی به ایستگاه‌های پلیس آسیب‌هایی وارد شده است. در جریان این درگیریها بیش از ۱۰۰۰ تن از جوانان و نوجوانان معترض که اکثراً در زمره مهاجرین و "خارجی‌ها" (غیر فرانسوی‌ها) هستند دستگیر شده‌اند. با توجه به ابعاد این شورشها و ناتوانی پلیس در سرکوب و مهار آنها، دولت فرانسه با اعطای اختیاراتی به مقامات محلی در بیش از ۱۶۰ شهر و شهرک و محله در سراسر فرانسه مقرراتی را برای منع رفت و آمد و محدود کردن تردد در ساعاتی از شب اعلام کرده است.

( ادامه در صفحه ۲ )



## شورش توده‌های محروم و تهیدست فرانسه بر حق است!

زیر خط فقر بسر برده و در جریان زندگی روزمره فلاکت بار خویش، با فقر و بیکاری، عدم برخورداری از حداقل حقوق اقتصادی و اجتماعی و به موازات آن با نژادپرستی و تبعیض وحشتناکی دست و پنجه نرم می‌کنند که ناشی از سیاستهای ضدخلفی نظام سرمایه داری در فرانسه بر زندگی میلیونها تن از این زحمتکشان می‌باشد. بر بستر چنین اوضاع اقتصادی-اجتماعی ای است که ما شاهدیم که در روزهای اخیر چگونه هزاران تن از ساکنین محلات فقیرنشین و بویژه جوانان به خیابانها ریخته و خشم و کینه خود را نسبت به نظام

درگیریهای گسترده میان توده‌های فقیر و زحمتکش با پلیس فرانسه، وارد دومین هفته خود شده است. این درگیریها در اوایل آبان ماه و پس از آن آغاز شد که دو نوجوان آفریقایی تبار که تحت تعقیب پلیس سرکوبگر فرانسه قرار گرفته بودند، در جریان فرار از دست پلیس، با پناه بردن به پشت ترانسفورماتورهای برق، دچار برق‌گرفتگی شده و جان خود را از دست دادند. البته مرگ این دو نوجوان تنها جرقه‌ای بود که انبار باروت خشم توده‌های فقیر و بی‌چیز در محلات فقیرنشین فرانسه را به آتش کشید. توده‌های زحمتکشی که اکثر آنها در



## "ساماندهی" قطعه ۳۳ یا سازماندهی یک اقدام ضد خلقی!

بقیه از صفحه ۱

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی یکبار در اوایل امسال اعلام نمود که قصد به اصطلاح بازسازی این قسمت را دارد و ظاهراً از وابستگان و خانواده‌های جانبازان آرمیده در منطقه ۳۳ خواست که برای ابراز "نظر" به ایادی رژیم در بهشت زهرا مراجعه کنند. بدیهی بود که طرح ضد خلقی فوق ابتدا نمی‌توانست جز با اعتراض شدید افکار عمومی به ویژه بستگان جانبازان و نیروهای مردمی و روشنفکر داخل جامعه روبرو گردد. این اعتراضات - که برخی از محافل درون هیأت حاکمه هم بدلیل هراس از خشم و نفرت عمومی و رسوایی ناشی از این اقدام برای کلیت رژیمشان

به آن واکنش نشان دادند- نهایتاً باعث شد که اجرای این طرح برای مدتی به تعویق بیفتد. از سوی دیگر بدلیل حاکمیت دیکتاتوری عریان رژیم جمهوری اسلامی، معلوم بود که بسیاری از بازماندگان جانبازان آرمیده در قطعه ۳۳ که خود نیز بدلیل وابستگی‌های فامیلی با این انقلابیون یا در تبعید بسر می‌برند و یا همواره در معرض تعقیب و گزند تیغ سرکوب قرار دارند اساساً امکان مراجعه به بهشت زهرا و ابراز آزادانه نظرشان در مورد آرامگاه جگرگوشه‌گان خویش را نداشته و نخواهند داشت. و تازه رژیم به اعتراضات خانواده‌هایی هم که امکان مراجعه و "ابراز" نظر داشتند، کمترین وقعی نگذاشت و حتی با تقاضای کسانی که خواهان انتقال اجساد عزیزانشان به مناطق دیگر بودند، مخالفت نمود. در چنین اوضاع و احوالی‌ست که مزدوران



زهرا در حالی‌ست که مقامات ضد خلقی جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند که با اجرای یک طرح دیگر درصدد "ساماندهی گلزار خاوران" و تبدیل آن به یک گورستان عمومی می‌باشند. گلزار خاوران نیز محل دفن هزاران تن از مبارزان و انقلابیونی‌ست که در جریان قتل عام وحشیانه زندانیان سیاسی در سال ۶۷ توسط رژیم جمهوری اسلامی جان باخته و بصورتی فجیع و دست‌جمعی در این محل دفن شدند.

حکومت بالاخره در اجرای نقشه‌های شوم خویش کار تخریب قطعه ۳۳ بهشت زهرا و تغییر شکل آن را آغاز کرده‌اند تا به این وسیله به زعم خود خاطره جاودان زنان و مردان رزمنده و انقلابی آرمیده در این محل را نیز از ذهن افکار عمومی و به ویژه جوانانی که بخصوص در سال‌های اخیر بر مزار این جانبازان جمع می‌شدند و از یاد آنها برای مبارزه با ظلم و استثمار و دیکتاتوری الهام و نیرو می‌گرفتند، پاک سازند. اعلام آغاز طرح تخریب و تغییر شکل قطعه ۳۳ بهشت

## شورش توده‌های محروم و تهیدست فرانسه بر حق است!

بقیه از صفحه ۱

مقامات فرانسوی در ابتدای وقوع این ناآرامیها فکر می‌کردند که با صرف اعمال خشونت و بستن شمشیر از رو و با گسیل هرچه بیشتر نیروهای سرکوب می‌توانند غائله را بخوابانند. اما ابعاد این ناراضیاتی آنقدر گسترده بود که به رغم مداخله پلیس و سرکوب، بر ابعاد درگیریها افزوده گشت و کار بجایی رسید که برخی از مقامات فرانسوی مجبور شدند تا به صحنه آمده و در همان حال که سرکوب شدید تظاهرکنندگان در خیابانها را ادامه می‌دادند، با زدن ماسک فریبکارانه به چهره خود، از ضرورت رسیدگی بیشتر به اوضاع اقتصادی محلات کارگر و زحمتکش نشین و همچنین اجرای طرحهای رفاهی بیشتر برای مردم محروم و مقابله با نژادپرستی نیز داد سخن بدهند. شورش زحمتکشان در فرانسه که پس از جنبش دانشجویی دهه ۶۰ در این کشور بزرگترین حرکت اعتراضی برعلیه دولت بوده است، یک رسوایی تمام عیار، نه تنها برای طبقه حاکم و دولت فرانسه، بلکه برای تمامی دولتهای سرمایه داری در غرب و ادعاهای ظاهراً دمکراتیک و بشردوستانه آنهاست؛ و نشان می‌دهد که در ورای لافاه "دمکراسی" و



"بشردوستی" در نظام های سرمایه داری در کشورهای "پیشرفته"، سرمایه داران زالوصفت برای حفظ سود و منافع خویش چه دیکتاتوری و بی عدالتی وحشتناکی در حق اکثریت عظیم جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان و توده های فقیر به ارمغان آورده اند.

نکته بسیار مهمی که در وقایع اخیر فرانسه باید به آن توجه کرد، عبارت از تحلیلهای فریبکارانه ای است که برخی از مطبوعات جیره خوار طبقه حاکم می‌کوشند راجع به علت و منشاء این شورشها در فرانسه ارائه دهند. در این تحلیلها که گاه توسط برخی از مرتجعین و فرصت طلبان نادان نیز به عاریت گرفته شده و تکرار می‌گردند، اینگونه گفته می‌شود که گویا شورشهای اخیر در فرانسه را مشتکی مهاجرین مسلمان آفریقایی تبار آنها برای دفاع از فرهنگ "عقب مانده" و "مذهبی" خود و حداکثر در اعتراض به

"نژاد پرستی" براه انداخته اند و شورش فرانسه، "زمینه اقتصادی و طبقاتی" ندارد. و به این علت نباید از آن "پشتیبانی" کرد. این یک موضع ارتجاعی و ضد مردمی در برخورد به شورش اخیر فرانسه می باشد که با واقعیت منطبق نیست. نگاهی به خود واقعیت شورش محرومان در فرانسه نشان می‌دهد که مرکز این اعتراضات محلات فقیرنشین و خارج از محدوده ایست که تحت مناسبات استثمارگرانه حاکم به وضعیت رفاهی و اقتصادی آنها توجهی نشده و فقیرترین اقشار جامعه فرانسه چه مهاجر و چه فرانسوی در فقر و محرومیت در آنها بسر می‌برند. این درست است که بخش مهمی از معترضین در این حرکات را "مهاجرین" و "خارجی"ها تشکیل می‌دهند، اما نگاهی به اوضاع اقتصادی اجتماعی در نظام بحران زده امپریالیستی در فرانسه، جایی که نظام سرمایه داری با دفاع از منافع مشتکی سرمایه دار زالوصفت و استثمار گر، میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان (که "خارجی"ها و "مهاجرین" جزء آنها هستند) را محکوم به زندگی در زیر خط فقر و بیکاری کرده است، نشان می‌دهد که اعتراض وسیع توده های فقیر، واکنش مشترک یک طبقه اجتماعی در مقابل تعدیات وحشتناک اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ای می باشد که طبقه حاکم به آنها تحمیل کرده است. برآستی چگونه می توان طغیان قهرآمیز هزاران تن از توده های محروم و بویژه نوجوانان و جوانانی را که در سخت ترین شرایط در میان فقر و



→ محرومیت و بی حقوقی و بیکاری و بی خانمانی دست و پا می زند را دید و آنگاه این "زمینه اقتصادی و طبقاتی" آشکار را انکار نمود. و بعد با اتکاء به ملیت و قومیت و تعلق مذهبی آنان، شانه بالا انداخته و مدعی شد که چنین جوشش عظیم و رادیکالی فاقد پایه های طبقاتی و اقتصادی است؟ آیا کسانی که مدافع چنین برخورد و موضعی در قبال شورشهای اخیر فرانسه می باشند، نشان نمی دهند که درست برخلاف

مارکسیستها، ملیت و مذهب و غیره را در برخورد به مسایل اجتماعی، اصل می دانند بدون آن که سعی در شناخت زمینه های اقتصادی و طبقاتی آن داشته باشند! تازه این موضع در شرایطی اتخاذ می گردد که بخشی از مقامات فرانسه در مقابل اعتراض افکار عمومی نسبت به سرکوب خشن این حرکات، پذیرفته اند که باید طرحهای اقتصادی و رفاهی بیشتری را در مناطق محروم فرانسه برای بهبود اوضاع به مرحله اجرا در آورند.

شورش اخیر جوانان و نوجوانان در فرانسه انعکاس کوچکی از بحران اقتصادی و فساد و گندیدگی نظام امپریالیستی از یکسو و طغیان خشم و نفرت بخشی از قربانیان این نظام ضد خلقی بر علیه این اوضاع جهنمیست. دفاع از این اعتراضات و خواستههای برحق شورشگران، وظیفه انقلابی هر انسان آزادیخواه و دمکراتیست که برای رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی بر علیه نظام سرمایه داری مبارزه می کند. ■

## "دادگاه" صدام "محاکمه" ای برای لایوشانی حقیقت

بقیه از صفحه ۴

دستگاه های تبلیغاتی غرب و مقامات دولت وابسته کنونی عراق از مدتها قبل با بوق و کرناهای فراوان کوشیده بودند تا این "محاکمه" را نشانه ای از برآورده شدن یکی از خواستههای قلبی مردم رنج دیده عراق و نمونه ای از "دمکراسی" و "عدالت طلبی" نیروهای اشغالگر و دولت وابسته به آنها جلوه دهند. بدنبال ماه ها تأخیر در محاکمه صدام حسین، دیکتاتور سابق عراق، بالاخره نخستین جلسه محاکمه او در قلب منطقه حفاظت شده در بغداد صورت گرفت. در این جلسه علاوه بر صدام حسین ۶ تن دیگر از مقامات بلند پایه سابق رژیم وابسته او نیز حضور داشتند. اما آنچه که مقامات آمریکایی زیر نام محاکمه صدام با کمک هواداران و وابستگان خویش در دولت موقت عراق، مشغول صحنه گردانی آن می باشند، با هدف جلوگیری از افشای روابط دولت صدام با امپریالیسم آمریکا صورت می گیرد. و در نتیجه تنها یک خیمه شب بازی مضحک برای فریب افکار عمومی است که به منظور پایمال نمودن خواست انقلابی مردم عراق مبنی بر

محاکمه واقعی و همه جانبه دیکتاتور سابق این کشور انجام می گردد. محاکمه کنندگان صدام به رغم آن که پرونده صدام مشحون از جنایاتی ست که دیکتاتور سابق عراق با حمایت آشکار غرب و در رأس آنها آمریکا بر علیه مردم عراق مرتکب شده (نظیر بمباران شیمیایی حلبچه در سال ۱۹۸۸ که منجر به قتل عام هزاران زن و مرد و کودک عراقی و نابودی این شهر گشت)، تنها و تنها او را در رابطه با یک پرونده کوچک اهالی یک شهرک عراق در سال ۱۹۸۲ به محاکمه کشانده اند. از ابتدای این محاکمه نیز اعلام شده بود که محکومیت صدام حسین در این محاکمه به معنای صدور حکم اعدام برای اوست و نیازی به بررسی سایر پرونده های او نیست. این واقعیت ها همه بیانگر آنند که محاکمه کنندگان صدام حسین در عین حال که برای جلب رضایت توده ها جلسه "محاکمه" او را تشکیل داده اند، اما شدیداً مواظبند که مبادا در این محاکمه، اطلاعاتی در مورد روابط نوکر و اربابی هیأت حاکمه عراق با امپریالیسم آمریکا و سایر امور عراق در طول سالیان دراز افشاء شده و در اختیار مردم قرار گیرد. هراس و توطئه مقامات آمریکایی و ایادی عراقی آنها در دولت موقت برای پنهان نمودن عمق

جنایات صدام آن قدر هویداست که در زمینه تصمیم فوق الذکر مقامات آمریکایی، سر و صدای برخی از مقامات دولت کنونی عراق- که از عمق نفرت مردم عراق از دیکتاتور پیشین عراق آگاهند- را نیز در آورده است و آنان از محاکمه علنی و همه جانبه صدام داد سخن می دهند. از سوی دیگر، در اولین جلسه محاکمه صدام، مقامات آمریکایی تنها به چند خبرنگار دست چین شده خود اجازه شرکت در محاکمه را دادند. با وجود تمامی این زمینه سازها برای ماستمالی کردن محاکمه صدام، مقامات آمریکایی دستور داده بودند که جریان این خیمه شب بازی نه بطور همزمان بلکه با ۲۰ دقیقه تأخیر از تلویزیون پخش گردد. در ضمن هیچیک از گزارشگران و خبرنگاران دست چین شده در این به اصطلاح محاکمه، حق بردن دوربین، ضبط صوت و از آن کمتر حتی قلم را هم به جلسه محاکمه نداشته اند. امری که به وضوح از هراس وحشتناک گردانندگان این محاکمه فرمایشی از انتقال محتویات بشدت سانسور شده این محاکمه به افکار عمومی پرده برداشته و در همان حال به نوبه خود ادعای "دمکراسی طلبی" و "عدالت خواهی" آنها برای مردم عراق را افشاء می کند. مقامات آمریکایی و ایادی عراقی آنها در شرایطی مشغول سانسور بی حد و مرز

"دادگاه" صدام حسین و مخفی نگه داشتن محتویات آن از مردم عراق هستند که این مردم و به ویژه قربانیان جنایات صدام، خواهان افشای جزئیات اقدامات ضد خلقی و جنایات او در طول بیش از دو دهه در این کشور می باشند. مردم عراق می خواهند تا از کم و کیف رابطه گسترده صدام حسین با امپریالیستها از زمان به قدرت رسیدن او در رأس حزب بعث و مسایل پشت پرده آگاه شده و حداقل نقش امپریالیستها به ویژه آمریکا را در بکارگرفتن صدام در جنگ ایران و عراق، در کشتار و سرکوب خلق کرد، در تهیه و استفاده از سلاح های شیمیایی، در اشغال کویت، در تحریم اقتصادی مردم عراق و... را از زبان خود این سگ زنجیری امپریالیسم در عراق بشنوند. صدام حسین تمامی جنایات ضد خلقی خود در حق خلقهای تحت ستم عراق را در خدمتگزاری به منافع امپریالیسم جهانی و با کارگردانی خود آنان مرتکب شده است. بنابر این، اگر قرار به برگزاری یک محاکمه واقعی و عادلانه در محضر توده های تحت ستم عراق بود، محاکمه کنندگان کنونی صدام نیز می بایست در کنار او و در جایگاه متهم ردیف اول جنایتکاران بر علیه مردم عراق قرار گیرند. ■

امسال، ۳۲ درصد بر میزان سودش افزوده گشته است. شل در طول مدت نامبرده ۴ میلیارد و ۲۶۰ میلیون دلار سود برده است. گفته می شود که استخراج از منابع نفتی آمریکا در مقیاسی بیشتر از قبل و افزایش صادرات گاز از قطر، نقش چشمگیری در سود این شرکت آمریکایی داشته است. ■

کمپانی بوده است. مطابق اظهارات مقامات "شل"، همچنین ۱۲ پروژه حفاری جدید در استرالیا و نیجریه، عامل دیگری در افزایش سود "شل" بوده است. از سوی دیگر، رقیب آمریکایی "شل" یعنی شرکت نفتی "اکسون" که بزرگترین معامله کننده نفت در جهان است نیز اعلام نموده که در ظرف ۶ ماهه اول

## کمپانی های نفتی، برنده اصلی افزایش قیمتها

بقیه از صفحه ۴

مقامات "شل" عنوان کرده اند که افزایش ۵۰ درصد قیمت نفت از آغاز سال جاری، عامل اصلی افزایش سود این



# "دادگاه" صدام، "محاکمه" ای برای لاپوشانی حقیقت

اما نگاهی گذرا به چگونگی این "محاکمه"، برده از ریاکاری سازماندهندگان اصلی آن یعنی امپریالیسم آمریکا برداشته و نشان می دهد که در پشت خواست مردمی محاکمه صدام حسین، مقامات آمریکایی چگونه درصدد قربانی کردن عدالت و دمکراسی در عراق، آنهم به منظور پوشاندن نقش خویش در سرکوب و استعمار مردم عراق می باشند. تا آنجا که به مساله محاکمه صدام به مثابه یکی از قصی‌القلب‌ترین دیکتاتورهای مزدور امپریالیسم در منطقه خاورمیانه باز می گردد، تردیدی نیست که محاکمه عادلانه و علنی صدام حسین بخاطر تمامی جنایاتی که در سرکوب خلقهای تحت ستم عراق از شیعه و سنی گرفته تا کرد و ترک و عرب در تأمین منافع امپریالیستها انجام داده، خواست برحق و دمکراتیک توده های تحت ستم است.

( ادامه در صفحه ۲ )

تشدید گشته است. بطوری که ما شاهدیم که چگونه این قدرتهای ضدخلقی و در رأس آنها آمریکا برای کسب مواضع اقتصادی‌سیاسی جدید به جنگ افروزی و گسترش بی‌رویه ماشین های نظامی خویش برعلیه خلقهای تحت ستم و رقبای جهانخوار خویش پرداخته اند. البته لازمه پیشبرد چنین سیاست ضدخلقی ای، در درجه نخست تشدید استثمار طبقه کارگر و هجوم هرچه وسیعتر به دسترنج و حقوق بشدت محدود شده توده ها با هدف کسب منابع لازم برای تقویت ماشین جنگی امپریالیستهاست. امری که بطور طبیعی مساوی با گسترش فقر و بیکاری و گرسنگی و قطع حداقل تأمین های اجتماعی در این کشورها برای میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان و توده های فقیر و بی چیز می باشد. در چنین چارچوبی ست که ما شاهدیم که چگونه هزینه های نظامی دولت آمریکا در سالهای اخیر با یک جهش سریع به رقم نجومی ۴۷۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ رسیده و همین امر سبب گسترش تقلای سایر رقبای امپریالیست در اروپا، روسیه و چین شده است که تلاش می ورزند تا در این مسابقه ضدخلقی تسلیحاتی از آمریکا عقب نمانند. در سال جاری میلادی بدنبال آمریکا، روسیه با ۲۰ میلیارد دلار و چین با ۹ میلیارد دلار هزینه نظامی در مقام دوم و سوم قرار دارند.

## تلاش برای انتساب بمب‌گذاریهای اهواز به مبارزین

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در روزهای اخیر از دستگیری یک شبکه ۳۰ نفره در رابطه با انفجار های ماه های گذشته در خوزستان خبر داد. مطابق اطلاعیه وزارت اطلاعات رژیم، بدنبال انفجارهای خرداد و مهر در اهواز، مسبب این انفجارها توسط "مأمورین گمنام" ساواک دستگیر و آنها به ارتباط با "گروه های ضدانقلاب" اعتراف کرده اند. شایان ذکر است که در جریان دو انفجار در مهر ماه، ۶ تن از مردم بیگناه کشته شده و بیش از ۱۰۰ تن مجروح شده اند. به رغم تلاشهای جمهوری اسلامی برای ارتباط دادن عوامل این انفجارها به گروه های مردمی، روشن است که در پشت چنین عملیاتی که جان افراد بیگناه را نشانه می گیرد، نیرو و یا نیروهای مرتجع و ضدخلقی قرار گرفته است. چرا که هیچ نیروی مردمی ای نمی تواند تحت هیچ بهانه ای، به کشتار مردم بیگناه بپردازد. تلاش جمهوری اسلامی

برای انتساب این اعمال ضدخلقی به نیروهای مبارز مخالف، در شرایطی ست که این رژیم سرکوبگر با موجی از وسیعترین اعتراضات مردمی خلق عرب مواجه بوده و کوشیده است تا علاوه بر سرکوب عربان و بخاک و خون کشیدن این مبارزات، با تبلیغات شوونیستی در افکار عمومی، مردم آگاه و مبارز عرب را مشتکی "جدائی طلب" مزدور و وابسته به بیگانگان جا بزند و سرکوب جنایتکارانه توده های زحمتکش خلق عرب را توجیه کند. ■

## کمپانی های نفتی، برنده اصلی افزایش قیمتها

افزایش بی سابقه قیمت نفت خام در بازارهای جهانی، موجب سرازیر شدن سودهای کلان به جیب کمپانی های نفتی امپریالیستی شده است. بنا به گزارشات منتشره، شرکت نفتی "رویال داچ شل" سود ۶ ماهه اول سال جاری خود را ۵ میلیارد و ۸۴۰ میلیون پوند اعلام کرد. کمپانی مزبور بطور متوسط در ۶ ماهه اول امسال یک میلیون و سیصد هزار دلار در هر ساعت به جیب زده است.

( ادامه در صفحه ۲ )

## "پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051  
London  
WC1N 3XX  
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

